



ساز صلح و وضعیت پر مخاطره‌ی افغانستان؛ آیا می‌توان به ختم جنگ امیدوار بود؟



صفحه ۲

تقابل سنت و مدرنیته؛ آیا افراط‌گرایی دینی در متون دینی وجود دارد؟



صفحه ۱۲

محمد ارکون و نوآندیشی دینی



صفحه ۳

هم‌زمانی دو رخداد مهم و تاریخی برای افغانستان؛ در امضای توافق‌نامه‌ی صلح باید محتاط بود



صفحه ۱

تأخیر و تعلل در اعلام نتیجه‌ی نهایی انتخابات ریاست جمهوری؛ کمیسیون‌های انتخاباتی باید مسوولانه رفتار کنند

تهدید کرده‌اند، در صورتی که به اعتراضات به‌صورت اساسی و دقیق رسیدگی نشود. آنان حکومت موازی اعلام خواهند کرد. عبدالرشید، دوستم، معاون اول ریاست‌جمهوری و عضو مهم دسته‌ی انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی، هفته‌ی گذشته در جریان صحبت با جمعی از هوادارانش گفت، نتیجه‌ی تقلبی انتخابات را نمی‌پذیرد و در صورت اعلام نتیجه‌ی تقلبی، آنان حکومت موازی اعلام می‌کند. هرگاه کار به این‌جا بکشد، حل آن دشوار است.

در شرایطی که بی‌ثباتی سیاسی به‌اوج رسیده و توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان در حال امضاشدن است، منافع ملی افغانستان ایجاب می‌کند، که نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در زودترین فرصت به‌شکل شفاف و عادلانه اعلام شود. به هر میزانی که تاریخ اعلام نتیجه‌ی انتخابات به‌تعمیق بیفتد، شرایط دولت افغانستان در گفت‌وگوهای صلح محدود و محدودتر می‌شود. درک این وضعیت برای تمامی طرف‌های دخیل و شریک در انتخابات، به‌ویژه کمیسیون‌های انتخاباتی دشوار نیست. به‌دادهای برگزارکننده‌ی انتخابات ناهنجاری می‌دانند، که آینده‌ی افغانستان به‌نوعی در گروه نتیجه‌ی نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری است. با توجه به این واقعیت، کمیسیون‌های انتخاباتی باید مسوولانه رفتار کنند و نگذارند، وضعیت پرمخاطره‌ی افغانستان بدتر از این شود.

بود. در سطح رسانه‌ها گفته می‌شد، که مدیران دو نهاد روی انتخاب محلات برای بازشماری و تفتیش ویژه با هم‌دگر چانه‌زنی دارند. سرانجام یازده‌روز گذشت و در دوازدهمین‌روز پس از صدور فیصله‌ها از سوی کمیسیون شکایات انتخاباتی، روند تطبیق آن آغاز شد.

پروسیه‌ی انتخابات در یک کلیت با تأخیر و تعلل همراه بوده است. این پروسه پس از چندبار تأخیر در ششم میزان برگزار شد، نتیجه‌ی ابتدایی آن نیز زمانی اعلام شد، که تقویم انتخاباتی سه‌بار نقض شده بود و اکنون جریان اعلام نتیجه‌ی نهایی، تصمیم‌گیری‌ها و تطبیق فیصله‌ها با تأخیر و تعلل به‌پیش برده می‌شود.

این در حالی است، که پروسیه‌ی صلح وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. هرگاه توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا شود، مذاکرات بین‌الافغانی شروع می‌شود. در صورتی که مذاکرات بین‌الافغانی قبل از اعلام نتیجه‌ی نهایی انتخابات آغاز شود، بدون شک نقش دولت و جریان‌های سیاسی در برابر طالبان ضعیف خواهد بود و انسجام و هماهنگی لازم در میان دولت و قشر سیاسی وجود نخواهد داشت. در چنین وضعیتی مردم افغانستان ضرر می‌کند. زیرا موضع حکومت به دلیل نامعلوم بودن سرنوشت حکومت، ضعیف و متزلزل خواهد بود و جریان مذاکرات به نفع طالبان دنبال خواهد شد.

این تازه بعد بهتر قضیه است. در سوی دیگر، مخالفان تیم دولت‌ساز چندین بار

روستایی

دیروز یک‌شنبه (۲۷ دلو) روند بازشماری، تفتیش و تطبیق فیصله‌های کمیسیون شکایات انتخاباتی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات در دفتر مرکزی و دفاتر ولایتی این نهاد آغاز شد. کمیسیون انتخابات تصمیم گرفته است، که روند بازشماری مجدد آرا در دفاتر ولایتی این کمیسیون در ولایت‌های بدخشان، تخار، سرپل، فاریاب، غزنی، ننگرهار، هلمند، قندهار و کابل و تفتیش ویژه آرا و محلات تنها در دفتر مرکزی کمیسیون انتخابات انجام شود. روز گذشته این کمیسیون اعلام کرد، که روند بازشماری آرا در ولایت‌های غزنی، هلمند و سرپل به پایان رسیده است. تا هنوز معلوم نیست، که جریان تطبیق کامل فیصله‌های کمیسیون شکایات چه زمانی را در بر می‌گیرد.

کمیسیون مستقل انتخاب نیز مدت‌زمان بازشماری مجدد و تفتیش ویژه آرا را مشخص نکرده است. تاریخ اعلام نتیجه‌ی نهایی معلوم نیست. احتمال آن وجود دارد، که جریان تفتیش ویژه آرا با مشکلات فنی و تخنیتی مواجه شود و مدت‌زمان این روند از آن‌چه پیش‌بینی می‌شود، طولانی‌تر گردد.

این در حالی است، که از زمان اعلام فیصله‌های کمیسیون شکایات انتخاباتی در مورد شکایت‌های استثنایی و استثنایی دوازده روز می‌گذرد. طی این مدت، سررشته‌ی کار میان کمیسیون‌های انتخاباتی گم



صدای مردم افغانستان هفته‌نامه

خبر

نه فرد «معتاد به مواد مخدر» با شلیک گلوله به قتل رسیده‌اند

مسئولان در فرماندهی پولیس کابل می‌گویند که نه نفر در مرز پروتات حوزه‌ی ششم امنیتی شهر کابل با شلیک گلوله به قتل رسیده‌اند. به نقل از اطلاعات روز، فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل گفته است، که این افراد حوالی ساعت ۸:۰۰ شب (شنبه، ۲۶ دلو) در دامنه‌ی کوه «قوریخ» در یک ساحه‌ی غیر رهائشی به قتل رسیده‌اند. آقای فرامرز همچنان گفت که افراد کشته شده معتاد به مواد مخدر بوده‌اند. به گفته‌ی او، تا کنون دلیل و انگیزه‌ی این رویداد مشخص نشده است. عاملان این رویداد نیز شناسایی نشده است. او در ادامه گفت که اجساد این افراد به طب عدلی منتقل شده و موضوع تحت بررسی پولیس قرار دارد.

ثبات و همگرایی: عمل‌کرد کمیسیون‌های انتخاباتی مشکوک است

به گزارش صبح کابل، اعضای ارشد دسته‌ی انتخاباتی ثبات و همگرایی، تأکید می‌کنند که عمل‌کرد کمیسیون‌های انتخاباتی نسبت به رسیدگی به شکایت‌های ثبت‌شده، مشکوک بوده و از همین رو، هر گزینه‌ی ممکن به منظور جلوگیری از بر کرسی نشاندن ثقل، روی میز قرار دارد. فضل‌احمد معنوی، عضو ارشد این دسته‌ی انتخاباتی، دیروز یک‌شنبه (۲۷ دلو) در یک نشست خبری گفت، فیصله‌ی کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی در مورد ۳۰۰ هزار رأی جنجالی، «گیج‌کننده» بود و حتا توضیح لازمی در مورد آن ارائه نشد. او افزود: «بحث نمونه‌گیری از محلات رأی‌دهی، در قانون، لوابیح و طرز‌العمل‌ها نیامده است، این ابتکار را کمیسیون شکایات از کجا کرده است؟ آرای خارج از وقت باید باطل می‌شد و نیازی به بررسی و تفتیش ویژه نداشت. تشخیص آرای که معلومات پایومتریکی ندارد، بدون دستگاه ممکن نیست.» آقای معنوی گفت که در حال حاضر، مدیریت پروسیه‌ی انتخابات در دست کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی است؛ اما کمیسیون مستقل انتخابات، قوانین و طرز‌العمل‌ها را زیر پا کرده و به گونه‌ی غیرقانونی و با تعبیر خود، در عدم حضور ناظران و نمایندگان کمیسیون شکایات، روند بازشماری محلات رأی‌دهی را آغاز کرده است. به گفته‌ی او، دسته‌ی انتخاباتی ثبات و همگرایی، تا حد ممکن با کمیسیون مستقل انتخابات مدارا کرده و با اعتراض‌های مدنی، تلاش کرده تا جلو «ثقل» را بگیرد؛ اما اگر وضعیت این گونه ادامه یابد، هر گزینه‌ی ممکن روی میز قرار دارد.

آقای معنوی تصریح کرد: «اگر قانون رعایت شود، پروسه را دنبال می‌کنیم، در غیر آن از پروسه بیرون می‌شویم و نتیجه را سر هیچ کسی قبولانده نمی‌تواند. انتظار داریم که کمیسیون انتخابات، از آخرین شانس خود به خاطر حفظ دموکراسی و مردم‌سالاری استفاده کند.» او گفت که نتیجه‌ی انتخابات در سال ۲۰۱۴ میلادی، به خاطر حفظ ثبات افغانستان پذیرفته شد؛ اما این بار، عواقب ناگواری در پی خواهد داشت و مسوولیت آن نیز بر دوش کمیسیون مستقل انتخابات خواهد بود. این در حالی است که کمیسیون مستقل انتخابات، روز یک‌شنبه (۲۷ دلو)، روند بازشماری ۲۹۸ محل رأی‌دهی را در ۹ ولایت آغاز کرد و حتا در چندین ولایت نیز این روند پایان یافت.

از سویی هم، روند تفتیش ویژه‌ی بیش از ۱۴۰۰ محل رأی‌دهی نیز، با حضور اعضای کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی، در دفتر مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات، آغاز شده است. کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی، حدو دو هفته پیش، فیصله‌ی نهایی‌اش را در مورد شکایت‌های استثنایی اعلام کرد که بر اساس آن، آرای ۱۴۱۲ محل رأی‌دهی مربوط به ۳۰۰ هزار رأی جنجالی، به تفتیش ویژه و آرای ۲۹۸ محل دیگر به بازشماری مجدد رفته است.

ویروس کرونا؛ گذشتن آمار مرگ از ۱۶۰۰ نفر و تأیید اولین مورد مرگ در اروپا

با درگذشت یک گردشگر چینی در فرانسه، که به ویروس جدید کرونا مبتلا شده بود، اولین مورد مرگ یک نفر در اثر این بیماری در خارج از قاره آسیا تأیید شده است. بنا به اعلام وزیر بهداشت فرانسه شخص درگذشته، یک مرد ۸۰ ساله چینی از استان هویی این کشور بود. او ۱۶ جنوری، یک ماه پیش، وارد فرانسه شده بود و پس از ۱۰ روز در بیمارستانی قرنطینه شد.

تاکنون تنها سه مورد مرگ بر اثر کرونا خارج از سرزمین اصلی چین گزارش شده بود؛ در هنگ‌کنگ، فیلیپین و ژاپن. تازه‌ترین ارقام منتشر شده از سوی مقام‌های بهداشتی چین در روز یکشنبه نشان می‌دهد که ۱۳۹ نفر دیگر در استان هویی درگذشته‌اند که مجموع شمار قربانیان را به بیش از ۱۶۰۰ نفر می‌رساند. هم‌زمان مقام‌های هویی ابتلا ۱۸۴۳ نفر دیگر را گزارش کرده‌اند که نسبت به آمار ابتلا در روز شنبه کاهش نشان می‌دهد.

مجموع شمار موارد ابتلا در چین از زمان شروع این اپیدمی بیش از ۶۸ هزار نفر است. وانگ یی وزیر خارجه چین روز شنبه گفته است، که شیوع در هویی اکنون به طور موثرتری مدیریت می‌شود «که نشان می‌دهد این اپیدمی در مجموع قابل کنترل است.» او که در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت کرده بود گفت که شمار کسانی که بعد از ابتلا خوب شده‌اند روز جمعه به بیش از هشت هزار نفر رسید. هم‌زمان مدیر سازمان جهانی بهداشت می‌گوید که همه کشورها باید برای ورود این ویروس آمادگی داشته باشند.

هم‌زمانی دو رخداد مهم و تاریخی برای افغانستان؛ در امضای توافق‌نامه‌ی صلح باید محتاط بود

تحولات اخیر در پیوند به مذاکرات صلح نشان می‌دهد، که مأموریت زلمی خلیل‌زاد به نتیجه رسیده است. رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه از مذاکرات صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا خواهد شد. مقامات افغانستان و امریکا گفته‌اند؛ خلیل‌زاد چنان مطمئن است، که تیم‌اش از همین حالا به دنبال یافتن جای برای امضای توافق‌نامه‌ی صلح می‌گردند. هرگاه در خلال مدت دوهفته تا امضای توافق‌نامه‌ی صلح، اتفاق غیرمترقبه رخ ندهد، فاز اول تلاش‌های آشتی‌جویانه تکمیل می‌شود و دونالد ترامپ به هدف‌اش برای جلب حمایت مردم امریکا در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور که در اخیر سال جاری میلادی برگزار می‌شود، دست می‌یابد.

این در حالی است، که دو روز پیش (۲۶ دلو)، سال‌روز خروج قوای اتحاد شوروی از افغانستان بود. سه‌دهه پیش در همین تاریخ، اتحاد شوروی پس از ۹ سال حضور نظامی، در پی یک توافق سیاسی (توافق صلح ژنیو) از افغانستان خارج شد. رخدادی که از چندین جهت با اتفاقات اخیر در پیوند به صلح افغانستان، هم‌سان و هم‌زمان است.

در زمان حکومت دموکراتیک افغانستان، پس از آن که جنگ علیه قشون سرخ در گوشه و کنار کشور گسترش یافت و بسیاری از کشورهای جهان تحت رهبری امریکا با نقش‌آفرینی پاکستان به جبهه‌ی مجاهدین که جنگ علیه نیروهای دولت دموکراتیک افغانستان و ارتش اتحاد شوروی را به پیش می‌بردند پیوستند، فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی بر اتحاد شوروی و دولت افغانستان بیشتر شد. زمانی که میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵ میلادی به قدرت رسید، متوجه شد، که شش‌سال حضور نظامی آنان در افغانستان به برقراری ثبات و صلح در این کشور کمک نکرده است. او دریافت که تلفات قوای شوروی در جنگ افغانستان روبه‌افزایش است، هزینه‌های نظامی وضعیت اقتصادی کشورش را شکننده کرده، نارضایتی مردم اتحاد شوروی از جنگ با گذشت هر روز بیشتر شده و جبهه‌ی مجاهدین و مخالفان اتحاد شوروی قوی و نیروی می‌شود. در چنین یک‌وضعیتی رهبر اتحاد شوروی به منظور راضی کردن مردم، جلب اعتماد و همکاری‌های بین‌المللی از سیاست‌هایش و فرار کشورش از یک جنگ پیچیده و فرسایشی، تصمیم گرفت تا قوای اتحاد شوروی را از افغانستان خارج کند. برای رسیدن به همین هدف، مذاکرات صلح ژنیو میان افغانستان و گروه‌های مجاهدین تحت حمایت پاکستان از یک طرف و امریکا و اتحاد جماهیر شوروی از طرف دیگر به شکل جدی‌تر از گذشته به پیش برده شد. سرانجام به تاریخ ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ مذاکرات صلح با امضای موافقت‌نامه‌های ژنیو به پایان رسید و عملیات خروج قوای شوروی از افغانستان تحت نظر افسران سازمان ملل متحد آغاز شد. مرور ماجراهای پس از امضای توافق‌نامه‌ی ژنیو نشان می‌دهد، که این رخداد نه تنها به استقرار صلح در افغانستان کمک نکرد و مانع مداخلات بیرونی در امور افغانستان نشد، بلکه منازعه‌ی این کشور پیچیده‌تر شد و جنگ تا فروپاشی کامل ارتش و نهادهای ملی افغانستان ادامه پیدا کرد.

اکنون نیز نگرانی همین است. دونالد ترامپ در جریان کارزارهای انتخابات ریاست‌جمهوری با درک نارضایتی مردم امریکا از حضور نظامی این کشور در افغانستان و سرنوشت نامعلوم جنگ‌شان با طالبان، به امریکایی‌ها وعده داده بود، که دخالت ایالات متحده در جنگ بی‌پایان افغانستان را خاتمه می‌دهد و سربازان امریکایی را باز می‌گرداند. این وعده‌ها، امریکایی‌ها را به حمایت از دونالد ترامپ واداشت. زیرا امریکایی‌ها از تلفات سربازان‌شان و هزینه‌های هنگفت نظامی در جنگ افغانستان خسته شده و ادامه‌ی جنگ را هرگز به نفع‌شان نمی‌بینند. دونالد ترامپ به همین دلیل، زلمی خلیل‌زاد را به‌عنوان نماینده‌ی خاص امریکا در امور صلح افغانستان گماشت تا برای پایان‌دادن به جنگ امریکا با طالبان راه حل سیاسی جست‌وجو کند. اکنون به نظر می‌رسد تلاش‌های خلیل‌زاد نتیجه داده است. براساس معلومات منابع، از روزنشبه‌ی هفته‌ی آینده طرح هفت‌روزه‌ی کاهش خشونت از سوی طالبان اجرایی می‌شود و در ختم آن، توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان امضا خواهد شد.

در این میان، پرسش اساسی آینده‌ی افغانستان است. مردم افغانستان حق دارند، بدانند که نتیجه‌ی توافق‌نامه‌ی صلح چیست. آیا افغانستان امروز مثل افغانستان دیروز به حال خودش رها می‌شود، یا ضمانت‌هایی مبنی بر استقرار صلح در این کشور وجود دارد؟ تجربه نشان داده است، که اقدامات شتاب‌آلود نمی‌تواند بحران دیرپا و پیچیده‌ی افغانستان را حل کند. اکنون که دو رخداد مهم و تاریخی برای افغانستان هم‌زمان و هم‌سان به نظر می‌رسد، خوب است، هم جانب افغانستان و هم دولت امریکا به عقب برگردند، ماجراهای گذشته‌ی افغانستان را مرور کنند و با توجه به آن تصمیم بگیرند و توافق‌نامه‌ی صلح را با گروه طالبان امضا کنند.

ساز صلح و وضعیت پر مخاطره‌ی افغانستان؛ آیا می‌توان به ختم جنگ امیدوار بود؟

اسحق‌علی احساس



بر قبضه کردن قدرت و تحمیل ایدئولوژی‌شان بر مردم و جریان‌های سیاسی افغانستان بردارند. در این صورت، مرحله‌ی دوم مذاکرات صلح افغانستان (گفت‌وگوهای بین‌الافغانی) می‌تواند با موفقیت به نتیجه برسد. گام سوم و نهایی پروسه‌ی صلح پس از ختم مذاکرات بین‌الافغانی آغاز می‌شود. این مرحله مهم و سرنوشت‌ساز است. در این گام مردم افغانستان باید عمل ختم جنگ و استقرار عادلانه و سراسری صلح را شاهد باشند. در این مرحله باید طرف‌های درگیر جنگ براساس اصول توافق‌شده رفتار کنند و به قانون و ارزش‌های مردم‌سالارانه متعهد باشند. برای رسیدن به این هدف لازم است، امریکا و جامعه‌ی جهانی در کنار دولت و مردم افغانستان بمانند. این کشورها به‌ویژه امریکا باید ببینند، که در برابر دولت و مردم افغانستان مسوول اند. پذیرش این مسوولیت با اقدامات دقیق و سنجیده‌شده معنی پیدا می‌کند، نه با رفتارهای شتاب‌زده و غیرواقعیانه. اقدام مسوولانه آن است، که توافق امریکا با طالبان تنها به‌هدف کنارکشیدن پای این کشور از منازعه‌ی افغانستان نباشد. درست است، که جنگ افغانستان هزینه‌های هنگفت روی دوش مالیه‌دهندگان امریکایی گذاشته و مردم این کشور از ادامه‌ی جنگ ناتمام افغانستان خسته هستند و دونالد ترامپ به‌منظور جلب حمایت شهروندان امریکا در انتخابات ریاست‌جمهوری، به‌امضای توافق‌نامه‌ی صلح محتاج است، اما نباید فراموش کرد، که رهاکردن افغانستان به حال خودش نه تنها برای افغانستانی‌ها بلکه برای آینده‌ی صلح و ثبات منطقه و جهان بسیار خطرناک است.

برای پایان‌دادن به جنگ افغانستان در کنار توافق امریکا با گروه طالبان و در گام دوم آغازشدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و به نتیجه رسیدن آن، به‌صورتی که تمامی طرف‌ها و جناح‌های سیاسی در ذیل یک طرح دقیق و همه‌شامل با هم‌دیگر به توافق برسند و از این رهگذر معضل تقسیم قدرت را به شکل دوامدار حل کنند، لازم است متغییرهای جنگ و صلح افغانستان به رعایت مواد توافق‌نامه پایبند بمانند و تضمین‌کننده‌ی معتبر از اجرای گام‌به‌گام آن نظارت کنند. در این زمینه نقش مثبت پاکستان به‌عنوان اثرگذارترین متغییر در تحولات افغانستان، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند استقرار صلح سراسری در افغانستان را ضمانت کند.

برای دستیابی به صلح سراسری و دایمی در افغانستان لازم است، زوایای پیدا و پنهان جنگ افغانستان مورد ارزیابی و کاوش قرار گیرد، معضل قدرت به‌صورت اساسی در این سرزمین حل شود، مواردی که به خلق بی‌اعتمادی میان افغانستان و پاکستان ختم می‌شود شناسایی و برای حل آن اقدام صورت گیرد و در نهایت از کشورهای منطقه و جهان تعهد گرفته شود، که از اجرای

رسانه‌ها به نقل از مقام‌های امریکایی گزارش داده‌اند، که توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان، بار دیگر آماده‌ی امضاشدن است. براساس این گزارش‌ها اگر اتفاق غیرقابل پیش‌بینی رخ ندهد، تا آخر ماه جاری میلادی (دوهفته‌ی دیگر) مأموریت زلمی خلیل‌زاد، فرستاده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان به نتیجه می‌رسد. هم‌چنان مایک پمپئو و مارک اسپر، وزیران خارجه و دفاع ایالات متحده‌ی امریکا در دیدار با محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور در حاشیه‌ی نشست امنیتی مونیخ در آلمان از احتمال نهایی‌شدن موافقت‌نامه‌ی صلح میان امریکا و طالبان در هفته‌های آینده خبر داده و گفته‌اند، که هیچ بندی از این توافق‌نامه بدون شرط نیست. «تایم» نیز به نقل از افراد آشنا با جزئیات پیش‌نویس فعلی، گزارش کرده که این موافقت‌نامه حاوی ضمیمه‌های محرمانه است. براساس این گزارش، ضمیمه‌های محرمانه شامل مواردی می‌شود، که دو طرف به‌ویژه جانب طالبان نمی‌توانند، آن‌را علن اعلام کنند. با توجه به این گزارش‌ها، متن توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان نهایی شده و تا روزهای آینده امضا خواهد شد. با امضاشدن این موافقت‌نامه، مرحله‌ی اول پروسه‌ی صلح افغانستان تکمیل می‌شود و پس از آن مرحله‌ی دوم (مذاکرات بین‌الافغانی) آغاز خواهد شد.

با آغازشدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی، جانب افغانستان که تا این‌دم از جریان مذاکرات دور بوده، در پروسه‌ی صلح شامل می‌شود. این مرحله دشواری‌های خود را دارد. توافق بر سر چگونگی تقسیم قدرت و تشکیل حکومت آینده، مرحله‌ی سخت و پیچیده‌ی گفت‌وگوهای صلح است. تجربه نشان داده که تقسیم قدرت در افغانستان، همواره با دردها و مشکلاتی همراه بوده است. طرف‌های درگیر در افغانستان در کنار این که تعلقات قومی، سمتی و زبانی متفاوت دارند، ارزش‌ها، باورها و تفکرشان نیز متفاوت است. به همین دلیل از زمان سقوط جمهوری محمد داوود تا کنون منازعه‌ی افغانستان از طریق سیاسی حل نشده است. هرچند وزیران دفاع و خارجه‌ی امریکا در دیدار با اشرف غنی تأکید کرده‌اند، که تمامی موارد توافق‌نامه‌ی صلح مشروط به تعهد طالبان است و امریکا در ادامه از دولت افغانستان و نیروهای امنیتی این کشور حمایت می‌کند، اما نباید از یاد برد، که گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بدون نظارت جدی حامیان بین‌المللی افغانستان به نتیجه نمی‌رسد. امریکا در هماهنگی با کشورهای عضو ناتو و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی دیگر باید با نظارت از رفتار طالبان در جریان مذاکرات بین‌الافغانی، این گروه را وادار کند، که دست از خلق خشونت و خواست‌های مبتنی

گام‌به‌گام توافق‌نامه‌ی صلح نظارت کنند. تنها تمرکز روی خروج نیروهای امریکا از افغانستان و کاهش خشونت‌ها علیه نیروهای امریکایی و افغانستانی، در حقیقت امر تکرار تجربه‌ی تلخی است، که افغانستان یک‌بار آن را تجربه کرده است. سی‌ودوسال پیش روس‌ها پس از امضای توافق‌نامه‌ی ژنیو، نخست نیروهای‌شان را از افغانستان بیرون بردند و پس از آن رفته‌رفته کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی‌شان را بر حکومت دموکراتیک افغانستان قطع کردند. رهبران اتحاد شوروی با کنارکشیدن‌شان از مسأله‌ی افغانستان در شرایطی که خود آنان در شعله‌ورشدن آتش جنگ در این سرزمین نقش اصلی را داشتند، افغانستان را در وضعیت فاجعه‌باری قرار داد. عبدالوکیل، عضو دفتر بیرونی سیاسی حزب د.خ.ا و وزیر خارجه‌ی دولت دموکراتیک افغانستان در کتاب خاطرات‌اش می‌نویسد، که در آخرین روز عودت کامل قوای شوروی از افغانستان پس از امضای پروتوکول دوجانبه برای خروج این قوا، معاون اول وزارت خارجه‌ی اتحاد شوروی و سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده‌ی آن کشور، یولی وراسوف چنان با وجد دوسیه را فشرده که گویا بار بزرگی از شانه‌هایش برداشته شده است. اکنون هرگاه خلیل‌زاد و مقامات ارشد امریکا و شخص ترامپ راه شوروی‌ها را بروند و با امضای توافق‌نامه‌ی صلح تنها پای امریکا را از جنگ افغانستان بیرون بکشند و در صدد جلب اعتماد امریکایی‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور باشند، بدون شک صلح دایمی و سراسری در افغانستان استقرار نخواهد یافت. این چیزی است، که منتقدان زلمی خلیل‌زاد در واشنگتن نگران آن اند که او (خلیل‌زاد) هرکاری می‌کند تا بتواند این توافق را برای ترامپ به‌امضا برساند، چه این توافق دوام داشته باشد یا نه.

نظارت از عملی‌شدن مواد موافقت‌نامه می‌تواند تأثیر مستقیم بر آینده‌ی افغانستان داشته باشد. هرگاه طالبان و حامیان این گروه از مواد توافق‌نامه تخطی کنند، امکان استقرار صلح در این سرزمین صفر می‌شود. توافق‌نامه‌ی صلح ژنیو نیز به‌دلیل تخطی یک طرف جنگ (پاکستان) از مواد موافقت‌نامه، به برقراری صلح و ثبات در افغانستان کمک نکرد. خبر خوش برای افغانستان برخلاف حرف‌های رابرت اوپراین، مشاور امنیت ملی امریکا تنها در پیشرفت چشم‌گیری گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و طالبان معنی پیدا نمی‌کند، زمانی خبر خوش در پیوند به صلح معنی‌دار خواهد بود، که نگرانی افغانستانی‌ها در مورد آینده‌ی توافق‌نامه در نظر گرفته شود و جانب امریکا، طالبان و حامیان این گروه تضمین کنند، که افغانستان در مسیر صلح و ثبات قرار می‌گیرد.

استدلال منطقی و باورهای ایدئولوژیک به آن احترام کند. خرد جمعی در عقلانیت دینی نه تنها تبارز نکرده بلکه در پائین‌ترین حد ممکن خویش نیز قرار دارد. عقلانیت دینی به مفهوم مدرن کلمه هیچ رشدی تئوریک در ساحت افهام و تفهیم نکرده بلکه برخاسته از آن‌ها باورهای کهن و سنت‌های اجتماعی قدیمی است.

اندیشمندان دینی در عین حالی که توجه اساسی به هست‌ها و ارزش‌های دینی دارند؛ تلاش دارند تا ساحت نفوذ تئوریک شان را در میادین اعتقادی و نظری نیز حفظ و گسترش دهند، نمونه واضح از حفظ ارزش‌ها و سنت‌های دینی در اندیشمندان افراط‌گرا به چشم می‌خورد. خرد دینی همیشه در ساحت رفتارهای بشری مورد انتقاد قرار گرفته؛ اما اندیشمندان که خود را متعلق به این خرد می‌دانند نه تنها دفاع همه جانبه از باورهای شان ارایه نمی‌دهند؛ بلکه به دنبال تهدید و استفاده از احساسات دینی نیز هستند. افراط‌گرایی که نوعی بیماری مضر اندیشمندان دینی را تشکیل می‌دهد، برخاسته از حس زیاده خواهی و تبلیغ در رفتارهای اجتماعی است. دین اسلام به رغم برجسته‌گی‌های ایدئولوژیکی خویش در ساحت تفکر دچار اشکالات نابخشدنی می‌باشد. در اسلام امر معروف و نهی از منکر از اساسات زیر ساختی و بنیادین اعتقادی به شمار می‌رود. امر به معروف و نهی از منکر در متون دینی به شکل عمومی مورد استفاده قرار گرفته است. سوال اساسی این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر شرایط و قابلیت‌های ظرفیتی در تمامی جوامع را داشته و باید به شکل خشک و بدون ملاحظاتی اعتقادی و سیاسی استفاده شود، یا بر اساس شرایط زمانی و واقعیت‌های اجتماعی قابل تعمیم است؟

در متون اسلامی تا جایی که این مهم توجه شده که اگر کسی فردی را ببیند که عملن دچار اشتباهات دینی می‌گردد و یا برخی از اصول رفتار دینی را نقض می‌کند، می‌تواند در جایگاه قاضی قرار گرفته و وارد عمل گردد. این‌گونه استقلالیت عمل در متون دینی، دست اندیشمندان افراط‌گرا را برای اجرا و به کرسی نشاندن باور شخصی شان در بسترهای اجتماعی باز نموده تا آنان با کمال وقاحت و جدیت تنبیه و شکنجه انسان‌ها را وظیفه شخصی تلقی نمایند.

ریشه‌های افراط‌گرایی دینی در متون دینی به صراحت کامل وجود داشته و در یک معنی متفاوت‌تر می‌توان گفت که اصلن متن دینی خود افراط‌گرا و بدون ملاحظه در روابط انسانی می‌باشد. روز جمعه هفته گذشته (۲۴ دلو) روز موسوم به والتائین (روزعاشقان) در کابل از سوی برخی فعالین مدنی و فعالین حقوق بشری تجلیل گردید. شبکه‌های اجتماعی مملو از تمجیدها و تهدیدها بود. دین‌داران افراط‌گرا این تجلیل را محکوم نموده و در مقابل آن روز مادر را که موسوم به ولادت فاطمه زهرا دختر پیامبر اسلام است را تجلیل و جای‌گزین نمودند. روشن‌فکران با تمجید از برگزار کنندگان مراسم والتائین در سطح شهر کابل، آن‌را نوعی احترام به انسان‌ها و روابط عاطفی دختر و پسر تلقی نموده و از آن حمایت کردند. جامعه افغانستان به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، بستر خشن افراط‌گرایی در طول دهه‌های متمادی بوده و دین‌داران بیشترین استفاده را از فضای سیاسی و اجتماعی برده‌اند. به این منظور برگزاری جشن والتائین ابتکاری عملی برای نسل جدید جامعه، که در صدد ترقی و شکوفایی فرهنگ شهر نشینی و احترام متقابل هستند، به‌حساب می‌آید. افراط‌گرایی در هر شکل و حالت خود محکوم بوده و باید در مقابل آن با کمال جدیت عمل نمود.

تقابل سنت و مدرنیته؛ آیا افراط‌گرایی دینی در متون دینی وجود دارد؟

امیرپناهیان



افراط‌گرایی که نوعی بیماری مضر اندیشمندان دینی را تشکیل می‌دهد، برخاسته از حس زیاده خواهی و تبلیغ در رفتارهای اجتماعی است. دین اسلام به رغم برجسته‌گی‌های ایدئولوژیکی خویش در ساحت تفکر دچار اشکالات نابخشدنی می‌باشد. در اسلام امر به معروف و نهی از منکر از اساسات زیر ساختی و بنیادین اعتقادی به شمار می‌رود.

حوزه‌های رفتار اجتماعی و شخصیت‌سازی‌های اخلاقی نیز است. دقیقین در همین بزنگاه تئوریک است که اندیشمندان چون هابز، مارکس، دورکیم و کانت تلاش دارند تا فهم انسانی از روابط بشر با خالق هستی‌اش ارایه کند این اندیشمندان متفکر هر کدام با توجه به وسعت فکری و بسط نظری خویش به دنبال کم رنگ کردن نقش ادیان در ساحت رفتاری و نظری بشر است. تفاوت دیدگاه اندیشمندان دینی و روشن‌فکران معاصر، در دایره هستی نه، بلکه در دایره باید‌ها می‌چرخد. دانشمندان دینی به دنبال پیاده ساختن ارزش‌های دینی در جوامع بوده و برای این کار از هر ابزار ممکن ایدئولوژیک استفاده می‌کنند. آن‌ها با توجیه نظری نسبتن معقول تلاش دارند، تا جامعه را به سوی هست‌ها سوق داده و از واکاوی در مورد باید‌ها بر حذر کنند. اندیشمندان دینی معتقداند که دین در کلیت ساختاری و نوعیت ایدئولوژیکی خویش راهکار اساسی برای توجیه هست‌ها در جامعه بوده و هرفرد انسانی نیاز دارد تا به هست‌های مورد پذیرش دین احترام و تمکین نماید. هست‌های دینی شبیه معیارها و فورمول‌های ریاضیکی خشک و بدون تبصره بوده و باید انسان‌ها بدون هیچ

دین در معنای وسیع خود در بر دارنده‌ی ارزش‌ها، شیوه‌ها، رفتارها و عمل‌کردهای فرد بشر در محیط اجتماعی و فضای خصوصی است. ادیان در طول تاریخ به‌عنوان بخشی از واقعیت اجتماعی جوامع، در عرصه اجتماعی تحول آفرین بوده و در بخشی از فرصت زمانی، توانسته است نیروهای اجتماعی را به نفع آرمان خود تغییر دهد. ادیان اعم از بودایی، هندی، اوستایی و اسلام، هر کدام دارای ارزش‌ها و جنبه‌های اخلاقی اعتقادی بوده که در بخشی از تاریخ بشریت تأثیر گذار و قابل پذیرش واقع گردیده است. ادیان در سطح عموم در تلاش جلب حمایت بنیادهای اعتقادی و زیرساخت‌های ایدئولوژیک جوامع انسانی هستند تا در مسیر اهداف اعتقادی خود از آن‌ها استفاده نماید. بنیادهای تئوریک ادیان در سطح عموم برخاسته از اندیشه‌های ماورای طبیعی به‌منظور تسهیل روابط اعتقادی و ایدئولوژیکی فرد بشر با منشا هستی‌اش را تشکیل می‌دهد. انسان‌ها در ذات خود به دنبال فهم روشن از ارزش‌های ماورای طبیعی بوده که ادیان فراهم کننده آن‌ها می‌باشد. دین نه تنها ارزش‌های اعتقادی را نشانه رفته بلکه به دنبال دخالت در

تاریخ‌مند دیدن همه‌ی متن‌ها و گفتارها، در شرایط اجتماعی و فرهنگی آنان از نظر او قابلیت علمی دارد. خلق گفتمان انتقادی بر پایه‌های عقل علمی در حوزه‌ی دین زمینه‌ی مستفیدشدن و مثمر شدن دین و دینداری را فراهم می‌سازد. خرد آفرینش‌گر بایست در پیوندهای میان انسان، فرهنگ و دین وی، جایگاه‌اش را پیدا نماید.

عقل عملی پرسش‌گر و ویران‌گر است و بنیادهای سنت و ترویج‌کننده‌ی تقلید که بر مبنای ایمان است، مورد سوال قرار می‌دهد. این جسارت و سعه‌ی صدر در بعد فرهنگی جامعه تا زمانی به‌وجود نخواهد آمد، که افراد جامعه به زودن زنگارهای سنت مقدس‌شده نایل نگردد. شالوده‌ی دشواری از نظر ارگون، تسلط و حاکمیت عقل جزمی بر عقل نقاد است. عقل جزمی، معرفت‌شناختی را به‌وجود می‌آورد، که تمامی فعالیت‌های فکری و فرهنگی آدمی را در بردارد. عقل دینی در فرایند تاریخ نتوانسته است، که از چارچوب‌های ایدئولوک گذر نماید؛ اما فضای

«از آغاز تا ختم خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان»

«بعد از امضای موافقت‌نامه‌های ژنیو، توجه به اجرای ترتیبات نظارتی که از طرف سازمان ملل متحد باید صورت می‌گرفت، روی دست گرفته شد. تصمیم گرفته شد تا «هیأت مساعی جمیله‌ی سازمان ملل متحد در افغانستان و پاکستان»، تحت ریاست جنرال فنلندی به اسم «هلمنن» تشکیل شود. قرار شد اعضای نظامی و غیرنظامی این هیأت، در کابل و اسلام‌آباد مستقر شوند و مراکز شان‌را در پایتخت‌های هردو کشور تأسیس نمایند. هم‌چنان سرمنشی عمومی ملل متحد پریزدیکوئبار، آقای کوردویز را دوباره به‌عنوان نماینده‌اش در اجرای موافقت‌نامه‌های ژنیو تعیین نمود. ناگفته نباید گذاشت، که کوردویز در آن زمان با وصف مأموریت در مسأله‌ی افغانستان، وزیر خارجه‌ی کشور اکوادور نیز بود. در عین حال، صدراالدین آفاخان نیز از سوی سرمنشی به‌عنوان «هم‌آهنگ‌کننده‌ی برنامه‌های کمک‌های بشردوستانه و اقتصادی به افغانستان» تعیین شده بود. یک افسر اتریشی با اعضای تیم‌اش نظارت از واحد فرمان‌دهی ملل متحد در اسلام‌آباد و یک افسر سوئدنی با اعضای تیم‌اش نظارت از واحد فرمان‌دهی ملل متحد در کابل را به‌عهده داشتند.

به‌تاریخ ۱۵ ماه می ۱۹۸۸ خروج اولین‌دسته از قطعات اتحاد شوروی از جلال‌آباد تحت نظر افسران سازمان ملل متحد آغاز گردید و پایگاه تخلیه‌شده‌ی خویش را به اردوی افغانستان واگذاشت. این قطعات از طریق کابل به تاریخ ۱۹ ماه می تحت نظارت سازمان ملل، از مرز افغانستان و اتحاد شوروی گذشتند. بالاخره به تاریخ ۱۵ فروری سال ۱۹۸۹ پس از ۹ ماه از امضای موافقت‌نامه‌ی ژنیو، تمام قطعات نظامی اتحاد شوروی از افغانستان خارج گردیدند. جنرال هلمنن و تیم ملل متحد بعد از نظارت دقیق متیقن گردیدند، که خروج کامل قوای نظامی اتحاد شوروی تحت نظارت سازمان ملل متحد، بدون کدام مشکل صورت گرفت؛ لذا در پایان این عملیات، جنرال هلمنن اعلام نمود: «تمامی قطعات نظامی اتحاد شوروی به‌طور کامل از تمام شهرها و ولایات افغانستان به وقت معین و مقرر، تحت نظارت آن‌ها از افغانستان خارج گردیدند». موصوف این اطمینان را رسمن به سرمنشی ملل متحد ابراز داشت. جنرال اتحاد شوروی، والتئین ورائیکوف مسوولیت عملیاتی خروج قطعات اتحاد شوروی را به‌عهده داشت.

سرانجام، قوای اتحاد شوروی به اساس امضای موافقت‌نامه‌های ژنیو از افغانستان خارج گردید؛ ولی مداخلات بیرونی در افغانستان قطع نگردیدند. جنرال فنلندی «هلمنن» رییس هیأت مساعی جمیله‌ی سازمان ملل متحد در افغانستان و پاکستان که تیم نظامی و سیاسی سازمان ملل متحد را برای نظارت از خروج قوای شوروی و اجرای موافقت‌نامه‌های ژنیو به‌عهده داشت، در ملاقات ۲۸ جولای ۱۹۸۹ که با وی داشتیم برابیم چنین گفت: «باید اذعان کنم، که بسیار اتفاق می‌افتد، که از ادامه‌ی این وضع احساس سردرگمی، اذیت و خجالت‌زدگی می‌نمایم؛ زیرا جانب افغانی تا حالا ۳۹۵ یادداشت رسمی از تخطی‌های پاکستان از موافقت‌نامه‌های ژنیو به دفتر ملل متحد تقدیم نموده، ولی بنابر دخالت و موضع‌گیری پاکستان، تیم سازمان ملل متحد که برای نظارت از اجرای موافقت‌نامه‌های ژنیو بین افغانستان و پاکستان موظف شده است، نتوانسته آن‌را مورد بررسی قرار دهد...»

جنرال ورائیکوف که مسوول عملیات‌های بزرگ نظامی و مسوول آمادگی برای پروسه‌ی عودت قطعات نظامی اتحاد شوروی از افغانستان بود، چنین عقیده داشت: «زمانی‌که ما از کابل خارج می‌شویم، ممکن مجاهدین از جنوب به کابل داخل شوند.» در ملاقاتی که با شوارنادزه و گریچکوف داشتم، گریچکوف ضمن صحبت گفت: «رفیق وکیل، ما نگران هستیم که بعد از برآمدن ما بالای افغانستان چه می‌آید.» در جواب گفتم: «ما افغان‌ها می‌دانیم چه می‌شود.» وی دوباره سوال نمود، که به‌نظر شما چه می‌شود. گفتم: «یک الی دو سال از خود ما در مقابل مخالفان و مداخلات بیرونی دفاع کرده می‌توانیم؛ ولی بالاخره باید راه ختم جنگ از طریق سیاسی به‌دست آید.» وی به روسی گفت: «بولشی چه ناده (زیادتر از ضرورت است) منظوروش آن بود، که اگر شما چند سال نه، بلکه چند ماه از خود دفاع کرده بتوانید، بعدن مخالفان دیگر شما را سقوط داده نمی‌توانند.»

منبع: از پادشاهی مطلقه‌الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، عبدالوکیل، انتشارات عازم، چاپ دوم، صص ۷۴-۷۲



محمد ارگون و نواندیشی...

علمی فرصتی این را مهیا خواهد نمود، تا هم-پذیری در دنیای انسانی ایجاد گردد. نواندیشی دینی و نگاه جدید، بازخوانی و بازشناسی مبانی نظری دین اسلام و آموزه‌های آن ضرورت تاریخی عصر ماست؛ بلکه این، یک جریان باز است که در زمان‌های آینده نیز انسان‌ها مستحق آن است. نهادن رخداد‌های بزرگ در سیاق تاریخی آن این فرصت را به انسان‌ها خواهند داد تا از ستیز و تضادها میان اندیشه‌ی دینی و تفکر علمی بکاهد و دین به عنصر سازنده در زندگی تبدیل خواهد شد و دوشادوش پیشرفت عقل علمی سیر خواهد نمود.

خلق‌شده به‌واسطه‌ی آن، جزمی، آسان‌یاب و زود فهم و قابل‌قبول برای همگان است. در حالی‌که گفتار عقل انتقادی به‌لحاظ ماهیت نوآورانه‌اش، پیچیده، دیریاب و برهم‌زننده‌ی منطق عمومی و قراردادهای رسمی می‌باشد. محمد ارگون، در همسویی با مکتب تاریخ‌نگاری آنال و غولان تفکر انتقادی این مکتب، «لوسین فور» و «مارک بلوک» اندیشه‌ی انتقادی را به‌عنوان بسته‌ی پیشنهادی در مطالعات دینی راه‌گشا می‌داند. ارگون در اندیشه‌ی اسلامی خویش خواهان مشارکت مسلمانان در عقلانیت علمی و جهانی است. روش علمی ایمان صد درصدی را بر نمی‌تاباند و بسته و تحکم‌آور نیست. تجهیز با عقلانیت

محمد ارکون و نواندیشی دینی

مهدی شیرزاد

در تاریخ اندیشه‌ی اسلامی جریان‌های متفاوت ظهور و بروز نموده‌اند. برداشت‌های مبتنی بر روحیه‌ی سنت باور، نگاه عقل‌گرایانه به دین و آموزه‌های دینی، نگاه میانه‌رو و معتدل به مسایل دینی. به‌صورت عموم این سه فرایند دیدگاه‌های واضح نسبت به مبانی تئوریک اسلامی و تعالیم دینی داشته‌اند. در مقاطع مختلف تاریخی هرکدام پارادایم‌های مورد نظر خود را از دین به‌وجود آورده است. بستر پذیرش این نوع برداشت‌ها معمولاً با توجه به شرایط و شاخص‌های دیدگاه‌های دینی سه‌گانه رنگ و خصلت به خود می‌گیرد. در نگاه قشری‌نگری به دین، طبع جامعه‌ی تقلیدی، سهل‌یاب و عموم‌پسند خلق می‌شود. درک عام از آموزه‌های دینی و بنیادهای دین، راست‌گیشانه و جزم‌گراست و حس مشترک قوی و یک‌رنگ در میان جامعه شکل می‌گیرد. فضا در چنگال سنت قبضه گردیده و انگیزه‌ی نوآوری و حس جست‌وجوگر، بیگانه و مردود است. خردگرایی در دین، نوعی جست‌وجوگراییانه انتقادی برخلاف تقلید است. دخالت دادن عقل و سنجش‌های عقلی در مباحث، پیام‌ها و احکام دینی است. اجازه‌ی پرسش از آن‌چه رایج در دین و ساختار عقیدتی موجود در دینداری است. روش میان‌رو و مصلحت‌جویانه مخالف هر دو نگاه بوده و همواره در تلاش تعادل است.

محمد ارکون اندیشمند الجزایری‌الاصل و مسکون در فرانسه بود. این متفکر ساختارشکن و سنت‌گریز قرن بیستم میلادی، انقلاب فکری را در عرصه‌ی تفکر دینی عرضه نمود. ارکون دکترای اندیشه‌ی اسلامی داشت. وی استاد اندیشه‌ی اسلامی در دانشگاه سوربن فرانسه بود. ارکون اندیشه‌ی اسلامی را دچار تغییرات اساسی نمود، نگاه خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی را نسبت به اسلام دگرگون ساخت. اسلام‌شناسی کلاسیک و مبتنی بر داده‌های اسنادی را مورد بازبینی قرار داده و نگاه نوین تحلیلی و خردمحور و تاریخ‌مند شرایطها و پدیده‌ها را بازنشاسی نمود. ارکون یکی از پارادایم‌سازهای نوین در اندیشه‌ی اسلامی است. از جمله آثار وی، از اجتهاد به نقد عقل اسلامی؛ اسلام دیروز و امروز؛ اسلام دیروز و فردا؛ اسلام، اصلاح یا براندازی؛ مبانی قرآن‌شناسی؛ انسان‌گرایی در تفکر اسلامی است. کتاب اولی وی، در این نوشته مورد توجه نویسنده بوده است. این متفکر اسلامی، یکی از بحث‌های سنگین، ژرف و علمی‌اش، عقل دینی و عقل علمی است. عقل دینی ادبیات عام‌فهم و آسان‌یاب را ترویج می‌کند. در این حالت جامعه تقلیدگرا و مجذوب سنت خلق می‌گردد. افراد چنین جامعه از فرهنگ بسته برخوردار بوده و هر نوع نوآوری را در تضاد به دین و مخالف با دینداری می‌دانند. علم با خصلت پرسش‌گرانه و انتقادی که دارد، وقتی در لایه‌های فرهنگی جامعه نفوذ پیدا نماید، جدال میان اندیشه‌ی دینی و اندیشه‌ی علمی را رقم می‌زند. این کشمکش‌ها در طول تاریخ ادیان هزین‌های رنگین و سرخ را در برداشته است.

ارکون، ناقد رادیکال سنت اسلامی است، اما او شیوه‌ی مدرن را در بررسی مباحث تئوریک دینی پیشنهاد و مطرح نظر دارد. تاریخ‌مند دیدن همه‌ی متن‌ها و گفتارها، در شرایط اجتماعی و فرهنگی آنان از نظر او قابلیت علمی دارد. خلق گفتمان انتقادی بر پایه‌های عقل علمی در حوزه‌ی دین زمینه‌ی مستفیدشدن و مثمرشدن دین و دینداری را فراهم می‌سازد. خرد آفرینش‌گر بایست در پیوندهای میان انسان، فرهنگ و دین وی، جایگاه‌اش را پیدا نماید. گرچه خرد جزئی و بنیادگرایی برای توده‌ی جامعه جذبه دارد و برای عده‌ی خاص و قشر مشخص در جامعه سودآور است؛ اما اگر ترقی و بهبود زندگی انسان‌ها دغدغه‌ی دین و دینداری باشد؛ ناگزیر به پذیرش فضای جدید خواهد بود. تا در آن عقل علمی خارج از معرفت‌شناسی جزمی تغییر دهنده‌ی زندگی انسانی گردد.

(ادامه در صفحه‌ی ۳)

نگرانی‌های مردم افغانستان از گفت‌وگوهای صلح

محمد نسیم نظری

کشورش آماده است تا از روند صلح افغانستان حمایت همه جانبه و جدی نماید. او تصریح نمود که پاکستان و افغانستان کشورهای هم‌جوار با سابقه‌ی تاریخی مشترک فراوان بوده و لازم است که اهداف مشترک داشته باشد. گفته‌های عمران خان، در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای را به همراه داشت، او در آن زمان از طریق عناصر نفوذی خویش تلاش داشت تا برای جامعه جهانی و رهبران کابل، خاطر نشان کند که پاکستان نیت مثبت در قبال صلح افغانستان دارد؛ اما رهبران سیاسی در داخل افغانستان گفته‌های عمران خان را فریب‌جویانه و ناشی از تعصبات ملی او خواندند. این همه در حالی بود که گزارش‌های مطبوعاتی از تهیه فهرست جامع و همه شمول توسط حکومت افغانستان به‌منظور پیشبرد گفتگوهای صلح خبر می‌داد. رییس جمهور غنی بارها تلاش کرد، تا رهبری و مدیریت پروسه‌ای صلح را تحت هدایت خودش سوق دهد؛ اما دستاورد ارگ در این بازی اندک بود.

رییس جمهور غنی در کابل تلاش‌های زیادی برای به کرسی نشاندن اهداف‌اش به خرج داد، از ایجاد وزارت صلح تا تعیین نماینده خاص رییس جمهور در امور صلح و تشکیلات وسیع با امکانات فراوان، اما هیچ کدام از این اقدامات نتوانست خواست و مطالبه اصلی او را در این بازی فراهم سازد. رهبران بیرون از حکومت، هر کدام به اندازه خود در تلاش گفتگو با جانب طالبان و بیرون ساختن رییس جمهور غنی از ارگ ریاست جمهوری‌اند.

رهبران سیاسی در این اواخر بیشتر بلندگوی گروه طالبان در افغانستان بوده تا در نظر گرفتن منافع عمومی.

با این وجود به‌نظر می‌رسد که پروسه‌ی صلح به مراحل حساس خویش نزدیک شده است، ایالات متحده آمریکا

پروسه‌ی صلح به مراحل حساس خویش نزدیک شده است، ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا هرچه زودتر شمار نیروهایش را در افغانستان کاهش داده و از جنگ ویران‌گر ۱۸ ساله در افغانستان خارج شود. گروه طالبان در فرصت پیش آمده، تلاش دارد تا بر نفوذ بیشتر شان در افغانستان ادامه داده و بر شدت خشونت‌ها بی‌افزاید.

در تلاش است تا هرچه زودتر شمار نیروهایش را در افغانستان کاهش داده و از جنگ ویران‌گر ۱۸ ساله در افغانستان خارج شود. گروه طالبان در فرصت پیش آمده، تلاش دارد تا بر نفوذ بیشتر شان در افغانستان ادامه داده و بر شدت خشونت‌ها بی‌افزاید. اما در این میان مردم افغانستان نگران موارد زیر می‌باشند.

۱- ادامه خشونت‌ها و درگیری‌ها باعث اخلاص نظم عمومی و مانع اصلی برای رشد و ترقی در کشور است. گروه طالبان یا هرگروه تروریستی دیگری که دست به عملیات سازمان یافته هراس افگنی می‌زند، در تلاش است تا انکشاف عمومی را کاهش داده و مانع ترقی گردد، از این جهت مردم افغانستان قربانی اصلی هراس افگنی بوده و هر روز هزینه آن‌را می‌پردازد.

۲- گفتگوهای صلح در صورت که بتواند به مسایل مهم اختلافی بپردازد، می‌تواند مسیر مشترکی را برای مردم افغانستان به‌منظور کاهش خشونت‌ها ایجاد نماید؛ اما اگر این توافق بر مبنای مصالح سیاسی طرفین (آمریکا و طالبان) و به‌منظور تقسیم قدرت سیاسی در افغانستان عملی گردد؛ نه تنها سطح و حجم خشونت‌ها را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه می‌تواند عرصه را برای خشونت‌ها، تبعیض‌ها، نفاق افگنی‌های داخلی و نابودی ارزش‌های حقوق بشری فراهم نماید.

۳- مذاکرات صلح زمانی می‌تواند مقبولیت و حمایت اجتماعی را در درون افغانستان به همراه داشته باشد، که در آن ارزش‌ها و دستاوردهای که مردم افغانستان نزدیک به دو دهه است برای آن قربانی می‌دهد، را به‌صورت رسمی مورد پذیرش و حمایت قرار دهد؛ اما اگر گروه طالبان با امضای توافق صلح تلاش نماید که ارزش‌ها و دستاوردهای افغانستان را نادیده گرفته و با تک روی‌های دینی شان هم‌چنان در کسب قدرت سیاسی ادامه دهد، مذاکرات صلح بدون شک مسیر جدیدی از جنگ ویران‌گر نیابتی برای مردم افغانستان چیزی دیگری به همراه ندارد.

۴- کاهش خشونت‌ها که از سوی زلمی خلیل‌زاد به‌منظور پیشبرد گفتگوهای صلح با طالبان مطرح گردیده است؛ نه تنها که مبهم است؛ بلکه به نوعی نشان دهنده نیت آمریکا برای خروج زود هنگام از افغانستان نیز می‌باشد. آمریکا هر قدر در خروج نیروهایش شتاب زده عمل کند، به همان میزان سرنوشت مردم افغانستان وارزش‌های مدرن حکومت‌داری در کشور به یغما رفته و نابود می‌گردد. مردم افغانستان انتظار دارد که آمریکایی‌ها پس از ۱۸ سال کشور و نظام سیاسی افغانستان را تنها نگذاشته و در حمایت از دموکراسی ادامه دهد.

